

ولایت

انذار

ذکر

در قرآن



انتشارات قدس

ولایت، انذار، ذکر در قرآن

مؤلف: حجة الاسلام محمد اخوان طبسی

حروف نگار و صفحه آرا: ثار الله

لیتوگرافی: شرکت تعاونی ناشران قم

قطع: رقعی / ۱۱۲ صفحه

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۴

چاپ: سپهر

ناشر: انتشارات قدس

قم / خیابان شهداء / کوچه ممتاز / تلفن: ۷۷۴۴۰۵۳ - ۲۵۱

- کلیه حقوق این اثر محفوظ است -

شابک: ۷ - ۷۶ - ۶۳۹۵ - ۹۶۴ - 7 - ISBN: 964-6395-76



فهرست مطالب

۷	● مقدمه
۱۵	● بخش اول: ولایت در قرآن
۱۷	مقدمه
۲۱	فصل اول: در معنای کلمه «ولئ» از نظر لغت
۲۳	فصل دوم: معانی «ولئ» در قرآن
۲۴	فصل سوم: حقیقت ولایت رابطه خداوند با انسان است
۲۷	فصل چهارم: وسائط در ولایت
۲۹	فصل پنجم: انتخاب انسان در پذیرش «ولایت»
۳۲	فصل ششم: نفی ولایت از کافران
۳۳	فصل هفتم: آثار ولایت الهیه
۳۵	فصل هشتم: اسباب و عللی که در خروج از ظلمات به نور مؤثرند
۳۷	فصل نهم: تصریح آیات قرآن کریم به ولایت امیرالمؤمنین «ع»
۴۲	حادثه‌ای که در این روز واقع شد
۴۴	دومین آیه‌ای که بر ولایت حضرت امیرالمؤمنین «ع» دلالت دارد
۵۵	فصل دهم: ولایت فقیه



۶۰	● بخش دوم: انذار در قرآن
۶۱	مقدمه
۶۳	فصل اول: معنای انذار
۶۴	فصل دوم: فرق بین انذار و تبشیر
۶۶	فصل سوم: محتوای انذار
۷۰	فصل چهارم: مخاطبین انذار
۷۲	فصل پنجم: بحث و بررسی معنای عبادت
۷۶	فصل ششم: موانع و آفات که در راه عبودیت خداوند وجود دارد
۸۱	فصل هفتم: چه کسانی انذار را قبول می‌کنند؟
۸۳	فصل هشتم: بحثی پیرامون آیه نفر
۸۷	فصل نهم: جریان انذار پیامبر اکرم «ص»
۹۱	● بخش سوم: ذکر خدا در قرآن
۹۳	مقدمه
۹۹	فصل اول: تحریض و ترغیب قرآن کریم بر ذکر خدا
۱۰۲	فصل دوم: تسبیح و حمد تمام کائنات برای خدای سبحان
۱۰۳	فصل سوم: مواعظ ذکر
۱۰۵	فصل چهارم: آثار ذکر
۱۰۷	فصل پنجم: آثار اعراض یا فراموشی از ذکر خدای تعالی
۱۰۹	فصل ششم: اقسام ذکر
۱۱۰	فصل هفتم: نحوه ذکر



مقدمه:

۱- اسماء و اوصاف قرآن در قرآن

۲- دعوت قرآن کریم به تدبّر

۳- انگیزه تألیف کتاب

۱- اسماء و اوصاف قرآن در قرآن

اسماء و اوصافی در قرآن کریم برای آن بیان شده که هر کدام بیانگر اثری از آثار و بعدی از ابعاد و جلوه‌ای از تجلیات این کتاب عظیم است.

این اسماء و اوصاف عبارتند از:

● الف - نور

در چندین آیه قرآن، از قرآن کریم به نور تعبیر شده است.

از جمله در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره مائده چنین آمده:

﴿قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ



رضوانه سبل السلام و یخرجهم من الظلمات الی النور ﴿

ولایت، انذار، ذکر در قرآن

از این دو آیه شریفه معلوم می شود که نور همان کتاب مبین یعنی قرآن مجید است، چرا که اگر نور و کتاب مبین دو شیء جداگانه بود باید ضمیر را تشبیه می آورد و مثلاً می فرمود یهدی بهما و در آیه ۱۷۴ سوره نساء فرموده:

﴿یا ایها الناس قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نوراً

مبیناً﴾

از این آیات شریفه استفاده می شود که نور بودن قرآن، خارج از ذات آن نیست بلکه قرآن خود عین نور و هدایت است.

همانطور که برای نور حسی و ظاهری آثاری است برای قرآن کریم هم آثاری است که با نور ظاهری از چند جهت مشابهت دارد:

اولاً: فعالیت و حرکات انسان در خارج، در صورتی نتیجه بخش هست که در پرتو نور باشد. در تاریکی محض حرکات و اعمال انسان دچار خطا و لغزش شده و نتیجه مطلوب نمی دهد همین طور گفتار و کردار و رفتار انسان در این عالم هم در صورتی به نتیجه مطلوب خود می رسد که در پرتو علم و ایمان به معارف قرآنی باشد.

ثانیاً: در مسیری که انسان حرکت می کند، نور سبب می شود که از راه خارج نشود و خطرات و موانع راه را ببیند، همین طور

در سیر و سلوک انسان و در این دنیا، قرآن کریم راه مستقیم را به انسان نشان می‌دهد و او را از خطرات و آسیب‌های راه آگاه می‌کند.

مقدمه

ثالثاً: همانطور که نور برای رشد موجودات زنده، اعم از حیوان و نبات لازم است، همین طور رشد معنوی و کمال روحی انسان در پرتو نور وحی صورت می‌گیرد.

● ب - ذکر

در آیه ۹ سوره حجر فرموده: ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

ذکر بودن، یا تذکره بودن قرآن به معنای یادآوری و یادآوردن است از این جهت که آن خطوط اصلی معارف قرآن، در نهاد و فطرت هر انسان به ودیعت گذاشته شده، و قرآن کریم به همان چیزی دعوت می‌کند که در روح و جان الهام شده است.

● ج - احسن الحديث یعنی بهترین گفتار و سخن

در آیه ۲۳ سوره زمر چنین فرموده:

﴿اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَاباً مُتَشَابِهاً مَثَانًى﴾

در آیه ۱۷ و ۱۸ سوره زمر فرمود:

﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾

این احسن القول که باید انسان از آن متابعت کند، گفتار

کیست؟



قرآن کریم جواب می دهد:

﴿وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ
إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ (آیه ۳۳، صوره فصلت)

بنابراین احسن القول، گفتار کسی است که به سوی خدا
دعوت می کند اما این داعی و دعوت کننده چه کسی است؟ باز
قرآن جواب می دهد.

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾
(سوره یوسف، آیه ۱۰۸)

بنابراین آیات قرآن کریم بهترین سخنان است، چون انسان
را به سوی خدا دعوت می کند. لذا باید از آن متابعت نمود.

● د- فرقان

در اولین آیه سوره فرقان چنین آمده:

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ
نَذِيرًا﴾

فرقان به معنای جداکننده بین حق و باطل است.

● ه- قرآن

این کلمه به معنای مجموعه هست. چون قرآن مجموعه ای
است از علوم و معارف و احکام و داستانهای آموزنده و اخبار
انبیاء و امم گذشته.



● و - عزیز و حکیم بودن قرآن

قرآن کریم از جانب پروردگاری نازل شده که عزیز و حکیم است.

مقدمه

در آیهٔ اوّل و دوّم سورهٔ جاثیه فرموده:

﴿حَمْدُ تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾

و همین دو وصف که از اوصاف خدای سبحان است. قرآن

کریم هم به آن توصیف شده است.

در آیهٔ ۴۱ سورهٔ فصلت فرموده:

﴿وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ﴾

و در وصف حکیم بودن قرآن هم در آیهٔ ۲ سورهٔ یس

فرموده: ﴿يَسْ وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ﴾

از این دو آیه شریفه و نظائر آن، استفاده می‌شود که قرآن

کریم تنزیل و تجلّی اوصاف حضرت حق تبارک و تعالی است.

به این معنا که خدای سبحان با اوصاف جلال و جمال خود در

قرآن کریم تجلّی فرموده است. یعنی هر کسی بخواهد خدا را

بشناسد، باید در قرآن کریم تدبّر نماید.

و این است معنای این جمله، از خطبهٔ ۱۴۷ نهج البلاغه در

وصف قرآن، فتجلّی لهم سبحانه فی کلامه من غیر ان یکونوا

رأوه. (۱)

۱ - خداوند در کلام خودش برای مردم تجلی کرده بدون اینکه آنها بتوانند او را ببینند.



● ز - قرآن کتاب شفا و رحمت و هدایت

در آیه ۸۲ سوره اسراء می فرماید:

﴿وَنَزَّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

و در آیه ۵۷ سوره یونس فرموده:

﴿وَشِفَاءٌ لِّمَا فِی الصُّدُورِ وَهُدًی وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

منظور از شفا بودن قرآن این است که امراض روحی و باطنی انسانها را درمان می کند مرضهای روحی بسیار خطرناکتر از امراض جسمی می باشند چرا که امراض جسمی با مردن انسان پایان می پذیرد اما امراض روحی با رفتن از دنیا و انتقال به عالم آخرت سبب ناراحتی و گرفتاری و عذاب و رنجی می شود که برای ما قابل تصور نیست.

امراض روحی مانند کبر، حسد، بخل، حب دنیا و امثال آن اگر در دنیا علاج نشود، انسان را به هلاکت و عذاب ابدی دچار می کند، ولی امراض جسمی نهایت آن، موت و انتقال از این عالم فانی به جهان باقی است.

● ح - جاذبه و دافعه قرآن

قرآن کریم اگرچه نور است و هدایت و شفاء و رحمت، اما این اوصاف برای کسانی ظهور می کند که حق را بپذیرند و در برابر آن خاضع و تسلیم باشند.

اما کسانی که خلق و خوی استکباری داشته و حاضر به

قبول حق نباشند تجلیات و اوصاف دیگری از قرآن کریم، که همان تجلی قهر و نعمت الهی است، برای آنان ظهور می‌کند و این گونه از اوصاف قهریه، نقطه مقابل و متضاد با اوصاف کمالیه و جمالیه قرآن کریم است. برای چنین افرادی قرآن کریم، مزید طغیان و ضلالت و کفر و شقاق و نفاق می‌گردد.

در آیه ۸۲ سوره اسراء می‌فرماید:

﴿و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید

الظالمین الا خساراً﴾

و در آیه ۶۴ سوره مائده فرمود:

﴿و لیزیدن کثیراً منهم ما انزل الیک من ربک طغیاناً و کفراً﴾

۲- دعوت قرآن کریم به تدبّر

قرآن کریم در آیات فراوانی همه انسانها را دعوت، بلکه تشویق و ترغیب فرموده تا در آیات این کتاب عظیم الهی، تفکر و اندیشه نمایند. چرا که پیام قرآن کریم، همان پیام عقل و فطرت سلیم هر انسانی است.

از جمله این آیات، آیه ۲۴ سوره مبارکه محمد ﷺ

می‌باشد که فرموده:

﴿افلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها﴾

از این آیات شریفه معلوم می‌شود آنچه را عقل سلیم از



معارف این کتاب الهی فهمید، حجت است و مورد تأیید قرآن و این آیات رد پندار بعضی افراد نادان است که گمان کرده‌اند، فهم قرآن مخصوص ائمه معصومین علیهم‌السلام بوده و دیگران حق تدبیر و تفکر و فهمیدن آیات قرآن را ندارند.

۳- انگیزه تألیف کتاب

در طی حدود ۴۰ سال گذشته که اینجانب به قرائت و تدبر در قرآن و مطالعه تفاسیر اشتغال داشته‌ام گاهگاه گوشه‌هایی از اسرار و معانی عمیق آیات کریمه قرآنی برای نویسنده معلوم می‌شد که غالباً هم آنها را یادداشت می‌کردم و حاصل این مدت، مطالب و تحقیقات متنوعی است در موضوعات مختلف.

کتاب حاضر، حاصل همان یادداشت‌ها و تحقیقات در پیرامون سه موضوع «انذار» و «ولایت» و «ذکر» در قرآن است. از خدای بزرگ می‌خواهم توفیق تدوین و نشر بقیه را هم مرحمت بفرماید.